



## از «شاه‌حسین‌گویان» تا شبیه‌خوانی؛ نقش مهم آذربایجان در ادبیات آیینی ایران

از مرثیه‌های عاشورایی و شعر آیینی، تا تعزیه و شبیه‌خوانی، آذربایجان همواره یکی از کانون‌های اثرگذار فرهنگ مذهبی ایران بوده است؛ موضوعی که پژوهشگران در گفت‌وگو با ایسنا با مرور پیشینه ادبیات آیینی و تعزیه، ابعاد مختلف آن را واکاوی کردند

آذربایجان شرقی (ایسنا) - از مرثیه‌های عاشورایی و شعر آیینی، تا تعزیه و شبیه‌خوانی، آذربایجان همواره یکی از کانون‌های اثرگذار فرهنگ مذهبی ایران بوده است؛ موضوعی که پژوهشگران در گفت‌وگو با ایسنا با مرور پیشینه ادبیات آیینی و تعزیه، ابعاد مختلف آن را واکاوی کردند.

هادی ولی پور قره‌قیه، استاد دانشگاه در دانشگاه‌های تبریز و مسئول هنرهای تصویری حوزه هنری استان در گفت‌وگو با ایسنا بیان کرد: همان‌طور که اسکار گروس براکت، انسان‌شناس شهیر جهان، در کتاب «تاریخ تئاتر جهان» می‌نویسد، آیین‌ها شکلی از معرفت هستند که از دیرباز برای چند منظور انجام شده‌اند؛ روش‌تعلیم، مهارت‌آموزی، بزرگداشت نیروی مافوق طبیعی یا مانور پیش از عملیات و جنبه‌های سرگرم‌کننده.

وی ادامه داد: آیین‌ها اغلب دارای وجوه نمایشی هستند و یکی از جنبه‌های نمایشی آن‌ها، ارتباط مستقیم با ادبیات است؛ ادبیاتی که پیشینه مکتوب و شفاهی آن در ایران بسیار قابل توجه است. البته در میان اغلب ملل، به ویژه ایران، آیین‌ها با ساحت‌های مذهبی نیز گره مستقیم خورده‌اند و همین مسئله موجب شده است که امروز هر جا به ادبیات آیینی اشاره می‌شود، ناخودآگاه همه به یاد ادبیات مذهبی بیفتند.

وی افزود: شدت این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به قدری است که ادبیات آیینی امروز ما تقریباً نمی‌تواند بدون ادبیات مذهبی وجود داشته باشد؛ زیرا ادبیات آیینی رنگ و بوی دینی، الهی و مذهبی دارد. از سوی دیگر، ادبیات آیینی نیز مبتنی بر آرمان‌های مذهبی مردم ایران است و نمود آن در شعر مذهبی یا در قواره‌های بزرگ‌تر، شعر آیینی، نهفته است.

ولی پور بر تفاوت ادبیات آیینی و مذهبی تأکید کرد: آنچه وجه تمایز ادبیات آیینی با ادبیات مذهبی است، این است که شعر مذهبی صرفاً با مذهب ایرانیان، یعنی تشیع، در ارتباط مستقیم است و شعر آیینی می‌تواند بسترهای فراگیرتری را، مانند اشعار مورد استفاده در آیین‌های آیفتمندی، آیین‌های گذار و آیین‌های سرگرم‌کننده، نیز شامل شود.

وی در زمینه کارکرد ادبیات آیینی در جامعه امروز گفت: اکنون با توجه به تحولات بنیادین در جهان زیست بشر معاصر، ضرورت بازگشت به ادبیات آیینی در قالب شعر، خاطرات و آیین‌های نمایشی به شدت احساس می‌شود. این حوزه به دلیل پیوند با اساطیر، تاریخ و زیست بوم، می‌تواند گذشته را به امروز متصل کند. ادبیات آیینی در زمره هنرهای کاربردی، فراتر از سرگرمی، نقشی آموزشی ایفا کرده و به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران‌های آینده، تکریم بزرگان و بستری برای مانورهای عملیاتی عمل می‌کند.

وی با یادآوری رجوع مردم به ادبیات حماسی و مذهبی در دوران جنگ‌های تحمیلی، تصریح کرد: بهره‌گیری از مفاهیم اساطیری نظیر رستم و آرش یا پیوند زدن شهدا با قیام کربلا، مصداق بارز این بحث است. استفاده رهبر شهید انقلاب از جمله مشهور امام حسین (ع) خطاب به یزید در مواجهه با سران استکبار، نمونه‌ای عینی از کاربرد ادبیات آیینی در تبیین مواضع سیاسی و انقلابی در دنیای امروز است.

این استاد دانشگاه بیان کرد: آذربایجان از دیرباز نخله‌های مختلف ادبیات را تجربه کرده است؛ از ادبیات غنایی تا ادبیات حماسی. ادبیات آیینی آذربایجان نیز یقیناً در ایام پیشاصفویه رایج بوده است که نمود خود را در دوره صفویه بروز می‌دهد. مسائل فرهنگی و هنری یک‌دفعه شکل نمی‌گیرند، بلکه به تدریج تکامل و تطور می‌یابند؛ زیرا در آن دوران ما با چهره‌های بومی ادبی، موسیقایی و نمایشی مواجه هستیم که در بخش‌های مختلف با نام‌های متنوعی از آن‌ها یاد می‌شود.

وی افزود: از دل مرثیه‌سرایی‌های عاشق‌لر آذربایجان، روضه‌خوانی با تأکید بر دو کتاب مهم تشیع، «روضه‌الشهدا» و «اسرارالشهادت»، قوام یافت و بعدها در نمایش‌های آیینی همچون واقعه‌خوانی، شبیه‌خوانی، نقالی مذهبی و... به کار گرفته شد. مسیر این ادبیات آیینی در آذربایجان از دوره صفویه شکل گرفته و بزرگان بسیاری را زیر پرچم خود قرار داده است. در ادبیات آیینی آذربایجان، حماسه، سوگ‌چامه، اشعار مستند، اشعار قرآنی و حدیثی، تصویرسازی، مواضع انقلابی و استعمارستیزانه، نوحه و عزا و... دیده می‌شود.

وی بیان کرد: زبان ترکی آذری در شبیه‌خوانی‌ها ظرفیت مهمی برای خلق آثار آیینی و مرثیه‌ای دارد و با همراهی موسیقی موغامی، اصطلاحات بومی و ضرب‌المثل‌های محلی، به اجرای تعزیه در آذربایجان حال و هوایی تعلیمی و سوگ‌محور می‌دهد. بیشتر این منظومه‌ها حاصل ذوق محدود و نیت ثواب‌جویانه منظومه‌سازان بوده و اغلب نیز بی‌نام مانده‌اند، اما همین آثار در کنار اشتمل‌خوانی‌های اشقیایی، لحن خاص و اثرگذاری به ادبیات نمایشی منطقه بخشیده‌اند.

ولی پور درباره تفاوت تعزیه آذربایجان با مناطق دیگر گفت: آنچه امروز از تعزیه و شبیه‌خوانی در آذربایجان باقی مانده، متأسفانه پوسته‌پوسته اجرایی آن است. ظاهر تعزیه حفظ شده، اما هیچ تأثیرگذاری بر مخاطب در آن دیده نمی‌شود. مهم‌ترین علت این مسئله، عدم رعایت قوانین تثبیت شده در این نمایش، به علاوه نزدیک کردن آن به نمایش واقع‌گرای غربی است که سمت و سویی نادرست یافته است.

وی ادامه داد: شوربختانه ما همچون بسیاری از بخش‌های فرهنگی و هنری، دچار بی‌بندوباری تکنیکی و عدول از سنت‌های تثبیت شده در تعزیه نیز هستیم. بنابراین قاعدتاً نباید تفاوت چشمگیری وجود داشته باشد، اما به دلیل عدم مطالعه در میان گردانندگان دستگاه تعزیه، ما از شهرهایی مانند زنجان، قزوین، تفرش، اراک، بوشهر و... بسیار عقب‌تر مانده‌ایم. تبریز شهر ولیعهدنشین بوده است، اما تفاوت‌های معناداری بین اجرای شبیه‌خوانی ما و دیگر شهرهای فعال این عرصه وجود دارد.

شکل گیری تعزیه، محصول عصر قاجار اسماعیل مجللی، پژوهشگر و مؤلف کتاب «شبیهِ نامه»، با نقد روایت های رایج درباره پیشینه تعزیه، در گفت وگو با ایسنا اظهار کرد: این هنر به شکل امروزی خود نه ریشه ای در دوران باستان دارد و نه اسناد معتبری از دوره های پیش از قاجار برای آن وجود دارد. با استناد به تاریخ ادبیات، موسیقی و نمایش ایران، شکل گیری تعزیه را می توان محصول عصر قاجار دانست. این هنر از تلفیق سه عنصر ادبیات، موسیقی و نمایش و در بستر فضاهایی چون تکیه ها پدید آمد و در همان دوره نیز به اوج شکوفایی خود رسید.

وی با اشاره به رونق محافل ادبی و نهضت بازگشت ادبی در دوره فتحعلی شاه قاجار، نسخه های تعزیه را حاصل فعالیت شاعران و ادیبان آن عصر دانست و افزود: هم زمان با شکل گیری نمایشنامه نویسی نوین و تدوین موسیقی دستگاهی ایران، تعزیه نیز به عنوان هنری تازه ظهور کرد. حکومت قاجار با حمایت از این هنر، آن را به ابزاری برای ترویج آموزه های مذهبی، مقابله با جریان های فکری مخالف، سرگرمی عمومی و انتقال پیام های اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد. این پژوهشگر همچنین درباره گسترش و تداوم تعزیه اظهار کرد: پس از دوران مشروطه و کاهش حمایت های حکومتی، این هنر در شهرها با افول مواجه شد و حتی در مقاطعی محدودیت هایی را تجربه کرد، اما در روستاها و شهرهای کوچک به حیات خود ادامه داد. روستاها پناهگاه اصلی تعزیه در دوره افول آن بوده و بخش مهمی از میراث تعزیه امروز، از جمله تکایا، نسخه ها و شیوه های اجرایی، به واسطه حفظ و انتقال این هنر در مناطق روستایی به نسل های بعدی رسیده است. وی پیرامون تعزیه خوانی به زبان آذری بیان کرد: واقعه خونین عاشورا که در سده های اخیر یکی از اصلی ترین سوژه های سرایش اشعار آیینی به حساب می آید، سبب شد که پایه پای شاعران فارسی، شاعران آذری نیز به سرایش اشعار با محوریت عاشورا پردازند که در این میان، آثار قابل توجهی به صورت اشعار ماندگار عاشورایی پدید آمده است که هم اکنون نیز شاهد آن ها هستیم.

وی در ادامه، در مورد نقش آذربایجان در ترویج و حتی شکل گیری هنری به نام شبیه خوانی تصریح کرد: این مهم کاملاً ملموس و غیرقابل انکار است و در این میان نباید از خطه غیور تبریز غافل ماند. نخستین صفحات ادبیات نمایشی و نمایشنامه نویسی ایران از همین منطقه برخاسته است که در صدر آن ها می توان به میرزا آقا تبریزی اشاره کرد. مجللی افزود: تعزیه و سوگواری های نمایشی در تبریز، پیشینه ای دست کم چهار سده ای دارد و اسناد و مدارک این مهم نیز در دسترس است. از جمله، اولیا چلبی که در عهد صفویان در تبریز حضور یافته بود، در سفرنامه خود از سوگواری های نمایشی ایام محرم در تبریز سخن می گوید. سابقه و پیشینه تعزیه خوانی به زبان ترکی، اگر تقدیمی بر تعزیه خوانی به زبان فارسی نداشته باشد، تأخری نیز به صورت چشمگیر در آن دیده نمی شود؛ به نحوی که در مجموعه واتیکان بیش از ۳۰ نسخه مجلس تعزیه دیده می شود.

وی تأکید کرد: از اماکن عزاداری و شبیه خوانی تبریز در دوره قاجاریان می توان به تیمچه مظفری اشاره کرد که تصاویر و اسناد آن در حال حاضر موجود است. همچنین شهر تبریز از معدود شهرهایی بود که در عهد ناصری، محلی اختصاصی برای اجرای تعزیه با نام تکیه دولت را در خود داشت و در روزنامه ناصری نیز گزارشی از اجرای مجلس تعزیه در تبریز منتشر شده است. وی ادامه داد: نام تبریز در میان اشعار تعزیه نیز دیده می شود؛ به نحوی که در مجلس شهادت حر، که به زبان فارسی خوانده می شود، عبیدالله بن زیاد برای تطمیع حر جهت اعزام به کربلا، پیشنهاد امارت تبریز را مطرح می کند. بنابراین از تبریز و نقش آن در حیات شبیه خوانی نباید غافل ماند. تعزیه معاصر تبریز توسط هنرمندان تئاتر اجرا می شود که با متن، بازیگری و سایر المان های نمایشی آشنایی دارند و این مسئله قطعاً در پیشرفت این هنر در تبریز مؤثر خواهد بود؛ چراکه در سایر مناطق کشور این گونه نیست. امید می رود در سال های آتی پیشرفت بیشتری در این هنر شاهد باشیم.

**ادبیات آیینی، متمرکز بر مناسک مذهبی**  
سعید طرزومی، دکتر تخصصی زبان و ادبیات فارسی، استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، در گفت وگو با ایسنا به تشریح تفاوت ادبیات مذهبی و ادبیات آیینی پرداخت و اظهار کرد: ادبیات مذهبی حوزه ای گسترده است که آثاری همچون تفاسیر قرآن، متون دینی، آثار مرتبط با سیره پیامبر(ص) و مباحث فقهی را دربرمی گیرد، اما ادبیات آیینی بیشتر بر آداب و رسوم و مناسک مذهبی متمرکز است. ادبیات آیینی را می توان با وجود برخی تفاوت ها، زیرمجموعه ای از ادبیات مذهبی دانست که وظیفه معرفی و تبیین آیین ها و سنت های مذهبی را بر عهده دارد.

وی با اشاره به کارکردهای فرهنگی ادبیات آیینی در جهان معاصر گفت: انسان امروز در میان مظاهر فناوری و زندگی مدرن، تا حدی از ریشه های فرهنگی و سنتی خود فاصله گرفته است و آشنایی با ادبیات آیینی می تواند زمینه بازگشت به هویت فرهنگی و شناخت بهتر کارکردهای اجتماعی و معنوی آیین های مذهبی را فراهم کند.

طرزومی آذربایجان تاریخی را یکی از مهم ترین خاستگاه های ادبیات آیینی در ایران دانست و افزود: پیوند این منطقه با آیین های شیعی و به ویژه فرهنگ عاشورا سابقه ای طولانی دارد. در دوره ایلخانیان، از قرن هشتم هجری، نشانه های پررنگ ادبیات عاشورایی در آذربایجان دیده می شود و شاعرانی همچون سلمان ساوجی از نخستین مرثیه سرایان برجسته در شعر فارسی به شمار می روند. همچنین از دوره صفویه تا کنون، آذربایجان یکی از کانون های اصلی تولید و ترویج ادبیات آیینی بوده است. این عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه با تأکید بر ظرفیت های زبان ترکی آذربایجانی در خلق آثار آیینی اظهار کرد: ساختار زبانی، عاطفه و سوز نهفته در این زبان، آن را به یکی از مناسب ترین ابزارها برای آفرینش شعر مذهبی تبدیل کرده است. بسیاری از شاعران برجسته، از جمله استاد شهریار، حسان، محمدحسین کهنمویی و دیگر شاعران آیینی، آثار ماندگاری را به زبان ترکی آذربایجانی خلق کرده اند که همچنان در مراسم مذهبی و آیین های سوگواری مورد استفاده قرار می گیرند.

وی در ادامه با اشاره به برخی آسیب های موجود در حوزه شعر و مداحی آیینی گفت: هرچند همچنان شاعران توانمند در این عرصه فعالیت می کنند، اما در مقایسه با گذشته، آثار ماندگار و شاهکارهای ادبی کمتری خلق می شود. همچنین استفاده گسترده از نغمه ها و آهنگ های صرفاً هیجانی در برخی مجالس موجب شده است که توجه به محتوای ادبی و مفهومی آثار کاهش یابد.

طرزومی با تأکید بر ضرورت بهره گیری از ظرفیت های علمی در این حوزه اظهار کرد: نهادهایی همچون اداره کل فرهنگ و ارشاد

اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی حمایت‌های مناسبی از فعالیت‌های آیینی انجام می‌دهند، اما لازم است نقش پژوهشگران و متخصصان ادبیات آیینی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها پررنگ‌تر شود. وی استاد شهریار را یکی از برجسته‌ترین شاعران ادبیات آیینی ایران دانست و گفت: مهم‌ترین ویژگی شعر آیینی شهریار، عاطفه عمیق و نگاه انسانی او به شخصیت‌های دینی است. شهریار در آثاری چون «علی‌ای‌همای‌رحمت» و «شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین» جلوه‌هایی از عظمت اخلاقی و معنوی اهل بیت(ع) را با زبانی تأثیرگذار و عاطفی به تصویر کشیده است. این استاد زبان و ادبیات فارسی با اشاره به پیوند عمیق ادبیات آیینی با فرهنگ آذربایجان افزود: آیین‌هایی مانند «شاه حسین گویان» و سنت‌های تعزیه‌خوانی از مهم‌ترین نمودهای این پیوند به شمار می‌روند. برخی پژوهش‌ها آیین شیر در تعزیه‌های آذربایجان را مرتبط با قبیله بنی‌اسد می‌دانند؛ قبیله‌ای که بنا بر روایت‌های تاریخی در دفن شهدای کربلا نقش داشته است. وی «نیر تبریزی» را برجسته‌ترین شاعر ادبیات آیینی آذربایجان معرفی کرد و گفت: آثار این شاعر از نظر تصویرسازی، عاطفه، زبان و استناد به منابع تاریخی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بسیاری از شاعران آیینی آذربایجان، علاوه بر توانایی ادبی، با علوم دینی و منابع تاریخی نیز آشنایی عمیقی داشته‌اند و همین مسئله به غنای محتوایی آثار آنان کمک کرده است. به گزارش آیسنا، آنچه از مجموع این دیدگاه‌ها برمی‌آید، جایگاه ویژه آذربایجان در شکل‌گیری و گسترش ادبیات آیینی، شعر عاشورایی و آیین‌های نمایشی مذهبی است؛ میراثی که از دل سنت‌های فرهنگی و باورهای دینی مردم این خطه برخاسته و تا امروز تداوم یافته است. هرچند این حوزه همچنان از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تولید آثار ادبی و هنری برخوردار است، اما آسیب‌هایی همچون کم‌رنگ شدن جنبه‌های پژوهشی، فاصله گرفتن از برخی سنت‌های اصیل و کم‌توجهی به محتوای ادبی آثار، ضرورت بازنگری و توجه بیشتر به این عرصه را دوچندان کرده است.